

نیست که شاعران افغانستان شناخته شده ترین فرهنگیان افغانستان در ایران هستند. به واقع یکی از چیزهایی که سبب شد نام افغانستان غیر از «صفحه حوادث» در دیگر صفحات روزنامه های ایران هم دیده شود، شعر بود. به واقع بالیدن شعر و شاعران مهاجر افغانستان در جامعه ادبی ایران، علاوه بر ثمرات ادبی چشمگیر خود، آثار اجتماعی نیکویی نیز بر جای گذاشته و تا حدودی در تلطیف اذهان جامعه میزبان نسبت به مهاجران مؤثر بوده است.

### ■ چشم انداز آینده

باید پذیرفت که از اواسط دهه هفتاد به بعد، تأثیر سبکی شعر مهاجران افغانستان از شعر انقلاب کمرنگ تر می شود. آن تشابه سبکی که میان کار این شاعران و مثلاً شعر علی معلم در دهه شصت دیده می شد دیگر پیدا نیست. این البته طبیعی است، چون جریان سرزنده و پویای شاعران مهاجر در دهه شصت غالباً جوان بود و در اوج تأثیرپذیری. در دهه های هفتاد و هشتاد این شاعران خود به رشد و بلوغی رسیدند و کم کم صاحب سبک و زبان مستقل شدند.

چنین است که در این سال ها اگر تأثیری از شعر انقلاب اسلامی دارند، در حال و هوای کلی شعر هاست، نه شاخصه های پررنگ سبکی. در واقع می توان گفت که این تأثیر به شکل تنفس از اتمسفری مشابه رخ می دهد و باز در دهه های بعد به تدریج پنهان تر و حتی کمرنگ تر می شود. حتی در مواردی خود این مهاجران بر یک نسل از شاعران ایران تأثیر می گذارند. یعنی کم کم تأثیرات از حالت یک جانبه به شکل متقابل می رسد. اما جالب این است که تأثیرپذیری شعر افغانستان از شعر انقلاب اسلامی ایران، هر چند به مرور زمان از نظر شدت کمتر می شود، از نظر وسعت گسترش می یابد، بدین معنی که بعد از سقوط حکومت کمونیستی و پیروزی مجاهدین، راه ارتباطات فرهنگی و ادبی میان دو کشور قدری باز می شود. البته دهه هفتاد افغانستان سراسر جنگ است و ناامنی و اختناق طالبان. ولی از دهه هشتاد و با تحولات جدید در این کشور، این ارتباطات به ویژه در حوزه توزیع کتاب گسترش بیشتری می یابد. بعضی از شاعران پرورده در جو ادبی ایران هم به کشور بازمی گردند و منشاء تأثیراتی می شوند، مثل آصف رحمانی، سید فضل... قدسی، محمود جعفری، عبدالشکور نظری، سید زکریا رحل و سید ضیاء قاسمی.

امروزه شعر نو کلاسیک در افغانستان رواجی چشمگیر دارد. البته قدری از این رواج، حاصل جریان طبیعی شعر فارسی در این سال هاست ولی انکار نباید کرد که بخشی از آن نیز حاصل تأثیر شاعران مهاجر است، چه تأثیر مستقیم به صورت بازگشت به وطن و حضور در محافل ادبی و مطبوعات کشور و چه تأثیر غیرمستقیم از راه کتاب ها و رسانه های مجازی.

ولی باز هم می توان گفت که شعر انقلاب اسلامی ایران به میزان شایستگی و موقعیت خود در افغانستان شناخته شده است؟ پاسخ منفی است. هنوز و پس از گذشت ده سال از سقوط طالبان و باز شدن باب ارتباطات، با همه ارتباط وسیع اقتصادی میان دو کشور، دادوستد ادبی به میزان لازم و قابل انتظار وجود

ندارد. در این سال ها تعداد جلسات شعری که در افغانستان و با حضور شاعران ایران برگزار شده باشد، به تعداد انگشتان دست هم نمی رسد. هیچ یک از نهادهای ادبی ایران حضوری ثابت و دائمی در افغانستان ندارند. حضور دانشگاهی و آکادمیک ایران در آن کشور بسیار کم رنگ است و با این همه مسافرت های گروهی شاعران انقلاب به دهلی و قونیه که سال به سال افزونی می گیرد، تا کنون کاروانی از شاعران ایران به سمت افغانستان به راه نیفتاده است. چنین است که با وجود پیدایش جریان های ادبی نیرومند در شعر فارسی ایران در سال های اخیر، باز هم شاعران مطرح ایرانی در افغانستان، غالباً همان هاینده که در آغاز این نوشته از آنان نام بردیم. به واقع شعر انقلاب اسلامی ایران، بیشترین تأثیرش را بر شعر افغانستان در محیط مهاجرت و آن هم بر اثر یک وضعیت ناخواسته گذاشته است، بدون این که برنامه ای برای این تأثیر گذاری در کار بوده باشد. ولی به راستی نمی شود این تأثیر به صورت برنامه ریزی شده و با برنامه های فرهنگی مناسب، در فردای افغانستان و در داخل کشور هم محسوس باشد؟ این چیزی است که باید انتظارش را داشت.

### ■ منابع

- انوشه، حسن و حفیظ... شریعتی، افغانستان در غربت، چاپ اول، تهران: نسیم بخارا، ۱۳۸۲.
- پهلوان، چنگیز؛ نمونه های شعر امروز افغانستان؛ چاپ اول، تهران: نشر بلخ (وابسته به بنیاد نیشابور)، ۱۳۷۱.
- ثروتی، بهروز؛ مویه های پامیر، شعر فارسی در افغانستان امروز؛ چاپ اول، تهران: الهدی، ۱۳۸۶.
- قدسی، سید فضل...؛ خاکستر صدا؛ چاپ اول، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- کاظمی، محمد کاظم؛ پیاده آمده بودم، چاپ سوم، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۸.
- کاظمی، محمد کاظم، «کارنامه شعر هجرت در ایران اسلامی»، شعر، شماره ۱۴، آبان ۱۳۷۳، صص ۲۳-۳۰.
- مبارز، سید حسن؛ از شاخه انجیر؛ چاپ اول، مشهد: بدخشان، ۱۳۹۱.
- مبشر، حمید، روایت تاریک غزل، چاپ اول، مشهد: سپیده باوران، ۱۳۹۰.
- مظفری، سید ابوطالب؛ سوگنامه بلخ، چاپ اول، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.
- موحد بلخی، سید حسین؛ چارباغ خورشید؛ چاپ اول، تهران: عرفان، ۱۳۹۲.
- حسن انوشه و حفیظ... شریعتی، افغانستان در غربت، ص ۱۰۴
- سید فضل...؛ قدسی، خاکستر صدا، ص ۱۵.
- سید ابوطالب مظفری، سوگنامه بلخ، ص ۱۳.
- حمید مبشر، روایت تاریک غزل، ص ۵۷.
- قنبرعلی تابش، دورتر از چشم اقیانوس، ص ۱۹.
- محمد کاظم کاظمی، پیاده آمده بودم، ص ۷۱.
- سید حسن مبارز، از شاخه انجیر، ص ۲۸.
- محمد شریف سعیدی، قفل های بزرگ، ص ۵۹.
- سید حسین موحد بلخی، چارباغ خورشید، ص ۱۰۱.



قنبری تابش



ابوطالب مظفری



محمد حسین جعفریان